



و... را از علل این ضعف در تأثیرگذاری به شمار آورد. در این مختصر برآنیم تا با بیان برخی از عواملی که در غنی سازی منبر و تنوع بخشیدن به آن نقش به سزایی دارد، به رفع این مشکل کمک کنیم.

۱. استفاده از ریز موضوعات:

کلی گویی از عمده عواملی است که منبر را از مسیر تأثیرگذاری خارج می کند و باعث می شود که مبلغ بر اساس «الکلام یَجْزُ الکلام»، از شاخه ای به شاخه دیگر و به حواشی غیر متناسب با اصل بحث بپردازد؛ ولی با داشتن ریز موضوع اولاً، به مخاطب خود

یکی از سؤالات و دغدغه های اصلی دلسوزان نسبت به تبلیغ دین آن است که چرا با این همه منابع غنی و پر بار و قدمت بیش از هزار ساله حوزه های علمیه و با توجه به اینکه معتقدیم آموزه های دینی با عقل و فطرت انسانها سازگاری جدی دارند، تأثیر گذاری تبلیغات دینی بویژه نوع خاص آن، یعنی «منبر» آن گونه که انتظار می رود، نمی باشد؟

شاید بتوان کلی گویی، پراکنده گویی، بیان غیر متناسب با فهم مخاطب، پرداختن بیش از حد به حاشیه و دور شدن از پیام اصلی، عدم تنوع، محسوس نبودن آموزه ها،

موضوعی مرحوم دکتر محمود رامیار، فرسوخ بی‌پایان و کشف آیات، به زیبایی می‌تواند راهنمای مبلّغ برای استفاده از آیات در ریز موضوعات مربوط به هر بحث باشد. این توجه مبلّغ، به مخاطب اطمینان می‌دهد که مبلّغ، همانند یک طبیب متخصص برای ریزترین نیاز و یا مشکل مخاطب خود، از منابع موجود، راه حلّ مناسب را استخراج می‌کند.

۳. استفاده از روایات موضوعی:

آیات و روایات همانند یک داروخانه و یا حلّ المسائل هستند که اگر کسی متخصص بهره‌برداری جزئی و تخصصی از آنها نباشد، چه بسا دارویی را اشتباهی و جوابی را غیرمتناسب ارائه می‌کند.

کتب روایی که همراه با فهرست ریز موضوعات تدوین شده، همانند کاری که مرحوم محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه انجام داده است و یا کاری که در میزان الحکمة انجام گرفته، به خوبی می‌تواند دست‌رسی مبلّغ را به روایات در ریز موضوعات هر باب آسان نماید. به عنوان مثال، به جای

می‌فهماند که در این موضوع، مباحث بسیاری است که بخشی از آن به قدر وسع جلسه ارائه خواهد شد. ثانیاً، به خود کمک می‌کند که از کلی‌گویی و حواشی زائد و پراکنده‌گویی پرهیز کند. ثالثاً، در فهم مطلب و گرفتن نتیجه، به مخاطب کمک می‌نماید. رابعاً، به راحتی می‌تواند در پایان بحث، نتیجه‌گیری و خلاصه‌گیری نماید.

به عنوان مثال، اگر قرار است در باب توکل بحث شود، این گونه بیان شود که در باب توکل، مباحث بسیاری قابل طرح است، از قبیل: معنای توکل، ریشه‌ها، عوامل، آثار، انواع و مراحل توکل، تاریخ توکل‌کنندگان و آسیب‌شناسی بحث توکل و... و از همه این مطالب، یک بخش را انتخاب کرده و به تبیین آن پردازد.

۲. استفاده از آیات موضوعی:

هنگامی که نگاه به موضوعات به گونه تخصصی صورت پذیرد، طبیعتاً نگاه به منابع هم تخصصی خواهد شد و از استفاده کلی پرهیز می‌شود. فهرستهای موضوعی قرآن از قبیل فهرست

مطرح می‌شود، بیان کنیم که یکی از آرزوهای اهل بیت علیهم‌السلام بویژه امام سجاد علیه‌السلام این است که «خدایا دست مرا دست خیر قرار بده و توفیق ده که خیرات خود را با منت تباه نکنم.» که هم به آرزویی اشاره می‌کند و هم به شیوه‌ای و هم به آسیبی در باب خیرات.

یا آنجا که در باب ارتباط با خدا از کانال اسماء خدا اشاره می‌کنیم، یادآوری این فراز مناجات مسجد کوفه که «مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ..»^۱ و بیان اینکه هر سازنده‌ای برای مصنوع خود دوران گارانتی می‌گذارد و اگر معیوب شد، آن را اصلاح می‌کند؛ بگوییم: آی جوانها! بیایید و امشب خود را در سجده‌ای به خدا عرضه کنید که ای خدا! تو سازنده و خالق منی و من مخلوق توأم، معیوبم و کسی جز تو نمی‌تواند مرا اصلاح کند.

۵. استفاده از کلمات بزرگان: گاهی

بیان یک جمله از بزرگان دین، علم،

اینکه تنها یک آیه و یا یک روایت در باب توکل مطرح شود، در بحث ریشه‌های توکل، به روایات خاص و یا بخشهایی از آیات و روایات استناد می‌شود و در باب آثار توکل، به روایات و بخشهای دیگر.

۴. استفاده از ادعیه به صورت

موضوعی: از جمله منابع غنی که متأسفانه کمتر مورد استفاده مبلغان قرار گرفته و تنها به عنوان دعا به آن نظر شده است، ادعیه مأثوره اهل بیت علیهم‌السلام است. غافل از اینکه با توجه به شرایط سخت زمانی که معصومین علیهم‌السلام در آن قرار داشته‌اند، قالب دعا یکی از قالبهای بیان معارف دینی بوده است؛ بویژه در زمان امام سجاد علیه‌السلام که اوج خفقان بود و راهی جز بیان معارف از طریق دعا را برای حضرت باقی نگذاشت. بدیهی است با توجه به لطافت بیان ادعیه و دلنشینی فرازهای مختلف دعاها و مناجاتها، چنانچه از آن در بیان معارف استفاده شود، در تأثیر گذاری بهتر و بیشتر نقش جدی خواهد داشت. به عنوان مثال، آنجا که بحث صدقات و خیرات

۱. بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۱۰۹، ح ۱۵.

هنر، ادب، ورزش، سیاست و کسانی که عظمت جایگاه آنها موجب نفوذ کلام آنها می‌شود، در باب موضوعی تأثیر را افزون‌تر می‌کند. وقتی در باب عظمت و ناشناخته بودن حضرت علی علیه السلام کلامی از جرج جرداق مسیحی و یا ابن ابی الحدید معتزلی ذکر می‌شود، قطعاً در پذیرش مخاطب مؤثرتر خواهد بود.

۶. استفاده از اشعار موضوعی: به حمد الهی کتب اشعار به صورت موضوعی و در بابهای مختلف به چاپ رسیده و هر مبلّغی واقف به این معناست که گاهی یک بیت شعر، یک رباعی، چند خط از یک قصیده و حتی یک مصرع، به چه میزانی در تفهیم مطالب مؤثر است، مثلاً وقتی صحبت از قانون عمل و عکس العمل و یا مکافات عمل می‌شود، تنها یک مصرع: «این جهان کوه است و فعل ما ندا» مخاطب را متوجه قانون پژواک می‌کند که هر عملی چند عکس العمل دارد، مثل صدایی که در کوه سر داده می‌شود و چند پاسخ و بازگشت دارد. و یا تک بیت:

«هر چه کنی به خود کنی»

گر همه نیک و بد کنی» اشعار مثنوی، حافظ، سعدی، نظامی و شعرای قدیم و جدید در باب موضوعات مختلف بسیار است و تنها تلاش کننده می‌خواهد که از میان این همه، برای موضوعات ریز شده خود ابیاتی را انتخاب نماید.

۷. استفاده از قصه، حکایت و

داستان: وجود حدود سیصد قصه و حکایت در قرآن حکیم و دستور به عبرت آموزی از همه داستانهای موجود در تاریخ و عصر حاضر، لطافت بیان قصه و داستان و هنری که در داستانها برای بیان مطالب به کار گرفته شده، همه و همه باید انگیزه مبلغ را برای استفاده موضوعی از قصه و حکایت و داستان زیاد کند تا در خلال مباحث، اعم از مباحث اقتصادی، احکام، اخلاق و آداب و... از داستان متناسب با موضوع و درس آموزی از آن، بهره‌گیری نماید.

۸. استفاده از تمثیلات و تشبیهات:

عمده معارف اسلامی از نوع معقولات است و آنچه که برای مردم قابل فهم و

وجود حدود سیصد قصه و حکایت در قرآن حکیم و دستور به عبرت آموزی از همه داستانهای موجود در تاریخ و عصر حاضر، لطافت بیان قصه و داستان و هنری که در داستانها برای بیان مطالب به کار گرفته شده، همه و همه باید انگیزه مبلغ را برای استفاده موضوعی از قصه و حکایت و داستان زیاد کند

این زمینه می تواند کمک خوبی برای مبلغ باشد.

۹. استفاده از آمار و عملیات

ریاضی: گاهی در باب فضائل و یا رذائل و به طور کلی در بیان معارف، ارائه اعداد و ارقام یا جمع و تفریق

درک بیشتر و سریع تر است، محسوسات می باشد و تبلیغ موفق آن است که از تشبیه معقولات به محسوسات استفاده بهینه شود. وقتی که در ثمرات توحید از آرامش بحث می شود و از تبعات شرک، اضطراب بیان می شود، تشبیه وجود و روح انسان به بُراده های آهن و تصویر دو آزمایش به زیبایی مطلب را به مخاطب منتقل می کند که در حالت اول، بُراده های آهن اگر در معرض یک آهن ربا قرار گیرند، همگی جذب همان می شوند، بدون پراکندگی، و اگر بُراده های آهن در معرض چند آهن ربا قرار گیرند، پراکنده می شوند و هر کدام به سوی آهن ربایی جذب می گردد؛ کسی که در زندگی بندگی یک خدا می کند، از برکاتی همچون تمرکز، آرامش، انسجام برخوردار است و کسی که بندگی خدایان متعدد را دارد همیشه مضطرب، پراکنده، غیر متمرکز و غیر منسجم خواهد بود که هیچ گاه به نتیجه مطلوب هم نخواهد رسید.

کتابهایی از قبیل امثال و حکم، ضرب المثلها، تشبیهات و تمثیلات در

واقع تبلیغ خود را که همان بیان معارف باشد، استمرار بخشیده است و در جهت فرهنگ سازی گام برداشته است.

در پایان، بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که اگر مبلغ نگاهش به کار تبلیغ، نگاه به یک امر تخصصی باشد، که هر روز پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌شود، برای بهینه سازی این امر مهم از هیچ تلاشی فروگذار نخواهد کرد و با تلاش تخصصی و پژوهش در منابع و متون دینی از یک طرف و بانگاه تخصصی به زندگی، مسائل و مشکلات آن از طرف دیگر، با ظرافت و با استعانت از حضرت حق به ارائه راه حل برای تأمین نیازها و یا حل مشکلات زندگی با استفاده از منابع دینی می‌پردازد و این مهم‌ترین عنصر در برقراری ارتباط مبلغ با مخاطب است، که کلام او معطوف به نیاز و یا مشکل مخاطب باشد.

ریاضی خیلی به فهم مطلب کمک می‌کند. وقتی در باب فرصت عمر گفتگو می‌شود، اگر ساعات خواب انسان با یک عمل ضرب و یا تفریق از عمر انسان کم شود، به خوبی به مخاطب میزان عمر مفید فهمانده خواهد شد. و یا در باب اسراف اگر به مردم توجه داده شود که اگر هر فردی روزانه یک لیتر آب اسراف نماید، در هر شهر و هر زمان و در کل کشور چه میزان آب اسراف خواهد شد.

۱۰. معرفی منابع موضوعی: یکی

از آفات در باب تعلیم و تربیت، فراموشی است که علت اصلی آن انقطاع از معارف می‌باشد. مبلغی که برای مدت کوتاهی توفیق بیان بخشی از معارف را دارد، اگر در پایان بحث خود، به صورت گفتاری و یا نوشتاری، منابعی را در باب موضوع مطرح شده، اعم از کتاب، مجله، نرم افزار، سایت و شبکه معارف و غیره معرفی نماید، در